



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating the evolution of socio-political components of contemporary poetry from constitutional to contemporary (Mirzadeh Eshghi, Queen of Spring Poets, Nimayoshij, Ahmad Shamloo, Houshang Ebtehaj, Qaisar Aminpour)

L. Gholipouri¹, A. Moshfeghi^{1*}, N. Alizadeh²

1- Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 April 2019

Reviewed: 10 May 2019

Revised: 24 May 2019

Accepted: 16 July 2019

KEYWORDS

Constitution; Pahlavi;
Islamic Revolution;
Socio-political poetry; Evolution.

*Corresponding Author

✉ moshfeghi.arash@gmail.com

☎ (+98 41) 37738893

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Many studies have been done on the socio-political components of contemporary poetry in numerous books and researches, but the evolution of key components in the three periods of the Constitution, Pahlavi and the Islamic Revolution has not been considered in research. In this article, with the aim of recognizing the important components and indicators of these periods and examining its evolution, the poems of six prominent poets have been studied.

METHODOLOGY: The article was written descriptively-analytically by library method and was one of the prominent poets of three periods: Mirzadeh Eshghi, Queen of Spring Poets, Nimayoshij, Ahmad Shamloo, Houshang Ebtehaj and Qaisar Aminpour. They are selected.

FINDINGS: Components of constitutionalism, republic, tyranny, colonialism and related topics, freedom, homeland, woman, poverty of the lower class and oppression of the upper class, ignorance of the people in the constitutional period; The components of tyranny, colonialism, freedom, poverty in the Pahlavi period and the components of homeland, Islamic Revolution, freedom, stability and holy defense in the period of the Islamic Revolution are the main components of socio-political literature.

CONCLUSION: Socio-political literature is a distinct and prominent type of literature in contemporary literature that began with the socio-political developments of society, from the constitutional period; In the Pahlavi period, it was established and in the period of the Islamic Revolution, it was connected to the literature of the Islamic Revolution and stability. The components of constitutionalism, the republic and women, are among the main components in the constitutional period and have no stylistic characteristics in the Pahlavi period and the Islamic Revolution. In the Pahlavi period, tyranny and colonialism and related topics are the main components that are associated with the spirit of resistance before the coup, but after the coup, there is despair and despair. In the 1940s, with the formation of the resistance movement, the components of stability, tyranny and anti-colonialism reached the forefront again. With the victory of the Islamic Revolution, the component of tyranny and colonialism was removed and hope and freedom were praised, but with the beginning of the imposed war, the component Patriotism, stability and sacred defense become a hallmark of style.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.4833](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.4833)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سیر تحول مؤلفه‌های اجتماعی - سیاسی شعر معاصر از مشروطه تا معاصر
(میرزاده عشقی، ملک‌الشعراى بهار، نیما یوشیج، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج، قیصر امین‌پور)

لیلا قلی‌پوری^۱، آرش مشفق^{۱*}، ناصر علیزاده^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

چکیده:

پیشینه و اهداف: در مورد مؤلفه‌های سیاسی اجتماعی شعر معاصر در کتابها و پژوهشهای متعدد، بررسیهای بسیار انجام شده است اما سیر تحول مؤلفه‌های شاخص در سه دوره مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی در پژوهشها مورد توجه نیست. در این مقاله با هدف شناخت مؤلفه‌های مهم و شاخص این دوره‌ها و بررسی سیر تحول آن، اشعار شش شاعر برجسته بررسی شده است. **روش مطالعه:** نگارش مقاله بصورت توصیفی - تحلیلی با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است و از شاعران برجسته سه دوره: مجموعه اشعار میرزاده عشقی، ملک‌الشعراى بهار، نیما یوشیج، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج و قیصر امین‌پور برای بررسی مؤلفه‌ها و سیر تحول آنها انتخاب شده است. **یافته‌ها:** مؤلفه‌های مشروطه‌خواهی، جمهوری، استبداد، استعمار و مضامین مرتبط با آنها، آزادی، وطن، زن، فقر طبقه فرودست و ظلم فرادست، جهل مردم در دوره مشروطه؛ مؤلفه‌های استبداد، استعمار، آزادی، فقر در دوره پهلوی و مؤلفه‌های وطن، انقلاب اسلامی، آزادی، پایداری و دفاع مقدس در دوره انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های اصلی ادب سیاسی اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: ادب سیاسی اجتماعی از انواع ادبی مشخص و برجسته در ادبیات معاصر است که همگام با تحولات سیاسی اجتماعی جامعه، از دوره مشروطه آغاز شد؛ در دوره پهلوی، تثبیت شد و در دوره انقلاب اسلامی به ادب انقلاب اسلامی و پایداری وصل شد. مؤلفه‌های مشروطه‌خواهی، جمهوری و زن، در دوره مشروطه جزو مؤلفه‌های اصلی است و در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی، شاخصه سبکی ندارد. در دوره پهلوی استبداد و استعمار و مضامین مرتبط با آن، مؤلفه‌های اصلی است که قبل از کودتا با روحیه مقاومت همراه است اما بعد از کودتا ناامیدی و یأس است. در دهه چهل با شکل‌گیری جریان مقاومت، بار دیگر مؤلفه‌های پایداری، استبداد و استعمارستیزی در این جریان به صدر مضامین میرسد و با پیروزی انقلاب اسلامی مؤلفه استبداد و استعمار کنار میرود و امید و آزادی ستایش میشود اما با آغاز جنگ تحمیلی، مؤلفه‌های وطن، پایداری و دفاع مقدس، شاخصه سبکی میشود.

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۳۹۸

تاریخ داوری: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۸

تاریخ اصلاح: ۰۳ خرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۵ تیر ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

مشروطه، پهلوی، انقلاب اسلامی،

شعر سیاسی اجتماعی، تحول.

* نویسنده مسئول:

✉ moshfeghi.arash@gmail.com

☎ ۳۷۷۳۸۸۹۳ (۴۱ ۹۸+)

مقدمه

ادبیات سیاسی اجتماعی بعنوان یک نوع ادبی مشخص در کنار دیگر انواع ادبی، در شعر معاصر شکل گرفت. تا قبل از آن گرچه در دوره‌های مختلف، این مضامین دیده می‌شود ولی رسمیت آن بعنوان نوع ادبی و رسیدن به صدر مضامین شعری در دوره مشروطه آغاز شد. این نوع شعر ارتباط نزدیک با ساختار سیاسی اجتماعی جامعه دارد و با زبانی انتقادی، معایب و کاستیهای جامعه را با شگردهای گوناگون می‌گوید «هر کلامی که علاوه بر داشتن جوهره و عنصر شعری، به نحوی به موضوع قدرت و حاکمیت در جامعه و روابط غیرشخصی افراد بپردازد شعر سیاسی است و میتواند به دو صورت اشعار متعارف سیاسی و اشعار غیرجدی یا طنز سیاسی باشد» (شعر سیاسی دوره پهلوی، درستی: ص ۵۵)

در شعر سیاسی اجتماعی از آغاز (دوره مشروطه) تا امروز، تحولاتی در مؤلفه‌های اصلی آن صورت گرفته است؛ برخی مؤلفه‌های آن ثابت مانده و برخی دچار تحول شدند یا حذف گردیدند. در این مقاله با هدف شناخت سیر تحول شعر سیاسی اجتماعی، مؤلفه‌های اصلی آن در سه دوره تاریخی: مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی تا پایان دفاع مقدس، بررسی شده است. در جامعه آماری، اشعار محمدتقی بهار متخلص به ملک‌الشعرا بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ش)، و میرزاده عشقی (۱۲۷۳-۱۳۰۳ ش) برای دوره مشروطه، نیمایوشیج (۱۲۸۵-۱۳۳۹ش) و احمد شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹) برای دوره پهلوی، امیرهوشنگ ابتهاج متخلص به ه.ا. سایه (۱۳۰۸) برای دوره پهلوی و انقلاب اسلامی، و قیصر امین‌پور (۱۳۳۷-۱۳۸۶) برای دوره انقلاب انتخاب شده‌اند. بر مبنای هدف تحقیق، سؤالات ذیل مطرح شده است.

- ۱- مؤلفه‌های برجسته سیاسی - اجتماعی در شعر دوره مشروطه، پهلوی و پس از انقلاب کدامها هستند؟
- ۲- در سیر تحول شعر سیاسی اجتماعی، تغییرات و تحولات مؤلفه‌های اصلی به چه صورت است؟
- ۳- کدام مؤلفه‌ها در هر سه دوره آمده و تحول نیافته است؟

در نگارش مقاله، ابتدا وضعیت عمومی ادب سیاسی اجتماعی در دوره موردنظر بررسی شده است، بعد از آن مؤلفه‌های شاخص هر دوره ذکر گردیده و تحلیل شده است و از اشعار شاعران مورد مطالعه نمونه‌ای برای آن آمده است. تحقیق حاضر نیز برگرفته از رساله دکتری لیلا قلی‌پوری است که در تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب دفاع شده است.

روش مطالعه

این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا منابع کلی در مورد ادبیات معاصر مورد بررسی قرار گرفت و ویژگیهای کلی دوره‌ها بدست آمد، سپس آثار شاعران برجسته دوره‌ها مطالعه شد و مؤلفه‌های شاخص سیاسی اجتماعی از آثار شاعران موردنظر فیش‌برداری گشت، بعد از آن با دسته‌بندی و تحلیل فیشها، مقاله نوشته شد.

سابقه پژوهش

در پژوهشهایی که در مورد ادبیات معاصر نوشته شده‌اند از جمله کتابها، مقالات و رساله‌های دانشجویی در مورد درونمایه‌ها و موضوعات شعر سیاسی - اجتماعی بسیار بحث شده است که شمارش آنها خارج از محدوده این تحقیق است و شاید در نگاه اول با وجود این حجم پژوهشها، نگارش مقاله‌ای تازه لازم نباشد اما با بررسی پژوهشهای منتشرشده، مشخص شد که مقاله و پژوهشی که سیر تطوری از تحول مؤلفه‌های اصلی و مهم ادب سیاسی - اجتماعی در سه دوره تاریخی در موضوع موردنظر ارائه دهد، بصورت مشخص و مجزا چاپ نشده است. در این

تحقیق با بهره‌گیری از تحقیقات قبلی و بازخوانش اشعار شاعران برجسته از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی (پایان جنگ تحمیلی)، مؤلفه‌های شاخص در حوزه مضامین شعر سیاسی اجتماعی بررسی و تحولات اصلی آنها تحلیل شده است.

بحث و بررسی

دوره مشروطه: ورود مؤلفه‌های سیاسی - اجتماعی به شعر معاصر

در تاریخ ادب فارسی در هر دوره‌ای مضامین سیاسی - اجتماعی وجود داشته است. در دیوان اغلب شاعران برجسته مثل سنایی، عطار، مولوی، سعدی، و حافظ این مضامین دیده میشوند که با شگردهای مختلف مثل انتقاد مستقیم، زبان رمزی، هجو و هزل، تعلیم و موعظه، طنز و مطایبه، شعر عرفان و قلندری و ملامتی از زبان عقلای مجانبین، شگردهای زیبایی‌شناسی مثل ابهام و کنایه و ... انتقادات سیاسی اجتماعی عصرشان را بازگو کرده‌اند. اما اینکه چرا نوع ادبی «ادب سیاسی اجتماعی» همانند ادب حماسی، غنایی و عرفانی و غیره، در سبکهای ادبیات کلاسیک خود را نشان نداد و جایگاهی بدست نیاورد، دلایل متعدد دارد. مهمترین آن را باید در ساختار جامعه جستجو کنیم که اجازه ظهور آشکار چنین شعری را نداده و ناچار در لایه زیرین انواع ادبی دیگر مانده است. اما در سالهایی که مشروطه خواهی در ایران مطرح شد، ساختار جامعه چنین شعری را ایجاب کرد. به گفته شفیع کدکنی، حزین لاهیجی شاعر اواخر سبک هندی، اولین بار با انتقاد به اوضاع سیاسی اجتماعی کشور، لزوم اصلاح آن را مطرح کرد (حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزلهای او، لاهیجی: ص ۲۱). حزین این موضوع را با جدیت ادامه نداد و در دوره بازگشت نیز این مضمون رشد نکرد اما از نیمه‌های دولت قاجار به بعد، زمینه‌های تحول ایجاد شد و عده‌ای در طی سفرهای خارجی، با مدرنیته آشنا شدند و با صراحت از وضع موجود انتقاد کرده و درصدد تغییر ادبیات کلاسیک برآمدند؛ بدینگونه تفکرات غرب‌دیدگان نخستین نشانه‌های رنسانس یا نوزایی در شعر و ادب فارسی شد (جریانهای شعر معاصر فارسی، حسین پورچافی: ص ۱۸). در ایران نیز مشروطه‌خواهی شکل گرفت و سرانجام «نارضایتی مردم از اوضاع کشور، آشنایی با افکار و اندیشه اروپاییان، تأسیس دارالفنون، ورود صنعت چاپ به ایران و انتشار افکار آزادی خواهانه در روزنامه‌ها، زمینه‌های بروز انقلاب مشروطه را در ایران فراهم کرد (شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، محمدی، ج ۱: ص ۳۵). با تب مشروطه‌خواهی و لزوم اصلاحات سیاسی در کشور، مضامین سیاسی - اجتماعی رشد کرد و اگر در گذشته بصورت شعر تعلیمی و هزل و هجو و غیره در لایه زیرین مانده بود، به جایگاه اول رسید. چنانکه «در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات فارسی، شعر اینقدر با سیاست آمیخته نشده و بر مأموریت خود برای ایجاد تحول در نظام اجتماعی آگاهی نیافته بود» (جام جهان‌بین، اسلامی ندوشن: ص ۲۱۴). شاعران همگام با تحولات «وظیفه مبارزه، روشنگری، انتقاد، افشاگری، بیانیه‌نویسی، استیضاح مقامات، تاریخ‌نگاری، معرفی صنایع جدید و.. را هم به دوش گرفتند» (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور: ص ۲۹۶ - ۲۹۷). از شاعران برجسته این ایام، کسانی چون وحید دستگردی، ادیب‌الممالک فراهانی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، نسیم شمال، ایرج میرزا، محمدتقی بهار، و ابوالقاسم لاهوتی هستند که هر کدام به نوعی بعنوان شاعر ملی مطرح شدند. مضامین سیاسی اجتماعی، مضمون برجسته اشعار آنهاست و رسالت شاعریشان را در نقد جامعه و مشروطه‌خواهی گذاشتند. موارد زیر بلحاظ سبک‌شناسی، شاخصترین مؤلفه‌های شعر سیاسی اجتماعی این دوره در دیوان شاعران است که ما برای نمونه به بررسی دیوان بهار و عشقی اکتفا کردیم.

جمهوری، مشروطه، استعمار، استبداد

در سال ۱۲۸۵ ش، سرانجام مظفردالدین شاه، تسلیم خواسته مشروطه‌خواهان شد و فرمان آن را امضا کرد. اولین

مجلس تشکیل و بدین وسیله جمهوری ایجاد شد. در این سالها، شاعران مشروطه‌خواه بیوقفه در کنار مبارزان، تفنگ قلم به دست، به جنگ استبداد رفتند. (بررسی مبانی نظری جریانهای شعری معاصر، نوری: ص ۳۳۹) و در اشعارشان مؤلفه مشروطه، جمهوری و مضامین مربوط به آن بسامد یافت. در ابتدا آن را ستودند اما تشکیل مجلس، عدالت و آزادی ببار نیاورد. بعد از مرگ مظفردالدین، محمدعلی شاه، مجلس را به توپ بست. موفقیتی نیافت و عاقبت به روسیه فرار کرد و فرزند کوچکش بجای او نشست. همچنان خائنین با استعمار در چپاول افتادند، دولت پهلوی نیز با استبداد رضاخانی شکل گرفت و بدین ترتیب آن جمهوری، که مشروطه‌خواهان در نظر داشتند، محقق نشد. بنابراین شاعران، این جمهوری را جمهوری قلابی نامیده و استعمار را هجو کردند و در مقابل مبارزان ملی مورد ستایش قرار گرفتند. بهار و عشقی هم از مشروطه‌خواهان هستند. عشقی، با هیجانی بیشتر از بهار در رأس مبارزه علنی، جمهوری و مشروطه‌خواهی بود. در کلیات دیوان او، بخش کتاب ششم در مورد جمهوری و جمهوری خواهی است که گفته‌اند باعث قتل عشقی شد (ر.ک: کلیات، میرزاده عشقی: ص ۲۷۷ - ۲۹۸). عشقی در این کتاب، جمهوری مشروطه را فنا شده معرفی میکند و با هزل و هجو، از حکام ظالم مستبد انتقاد مینماید.

آه که جمهوری ما شد فنا پیرهن لاشخوران شد قبا
(همان: ص ۲۸۳)

بهار هم در آغاز در تصنیفها و قصایدی، مشروطه و جمهوری را ستوده و استبداد و استعمار را نکوهش کرده است. مظفردالدین شاه را بخاطر امضای فرمان مشروطیت مدح کرده است (مجموعه اشعار بهار: ص ۴۸). سپس محمدعلی شاه را مدح میکند اما وقتی میبیند وی مستبد است، به او اخطار میدهد از استبداد دست بکشد و از کردار سلاطین پیشین عبرت بگیرد (همان: صص ۶۳ - ۶۴) و وقتی اخطار و موعظه را کارگر نمیبیند، با صراحت از او میخواهد مملکت را به دست روس ندهد.

پادشاهان نصیحتم شنو مملکت را به دست روس مده
نوعروسی است ملک و تو داماد به کسی دست نوعروس مده
روس اهریمنی است خونخواره به کف اهرمن دبوس مده
(همان: ص ۱۱۰۱)

وطن، زن، آزادی

با استقرار مشروطه، مؤلفه‌های وطن، زن، و آزادی بعد از مؤلفه استعمار و استبداد، در شعر این دوره مطرح شدند که بسرعت مورد توجه قرار گرفتند و تقریباً در دیوان همه شاعران وجود دارند. شاعران دغدغه هویت و استقلال وطن دارند، به سوادآموزی و حجاب زنان و حضور اجتماعی آنها در کنار مردان توصیه میکنند و درصدد این هستند که زن را از حصار خانه‌ها و محصور در نقش معشوق و مادر رهایی دهند. آزادی را میستایند و جامعه‌ای آزاد و قانونمند میخواهند. در این راستا به ظلم و ستم، بی‌عدالتیهای مستبدان، خائنین و استعمارگران انتقاد میکنند. از مردم جامعه میخواهند در مقابل ظلم بایستند، بدنبال احقاق حق خود باشند و از خرافات دست بردارند. وطن: وطن دوستی و عشق وطنی در مقابل استعمار و استبداد در این دوره شکل گرفت و بیکباره وطن که در شعر کلاسیک مورد توجه نبود، مهمترین مضمون شعری شد و شاعران استقلال وطن را با تمامیت ارضی آن تأکید کردند و از عشق به وطن گفتند.

هرکه را مهر وطن در دل نباشد کافر است
 هرکه بهر پاس عرض و مال و مسکن داد جان
 معنی حبّ‌الوطن فرموده پیغمبر است
 چون شهیدان از می‌فخرش لبالب ساغر است
 (مجموعه اشعار بهار: ص ۵۴۹)

عشقی وطن را همانند معشوق توصیف میکند.

معشوق عشقی ای وطن ای عشق پاک
 عشقت نه سرسری است که از سر به در شود
 ای آنکه ذکر عشق تو شام و سحر کنم
 مه‌رت نه عارضی ست که جای دگر کنم
 (کلیات میرزاده عشقی: ص ۳۷۷)

آزادی: آزادی در این دوره، در مفهوم غربی دموکراسی که در علوم سیاسی مطرح است (آزادیهای سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، حائری: ص ۹) وجود دارد. شاعران هرگونه آزادی را در جامعه خواستارند اما تکیه بیشتر آنها به آزادی از سلطه استبداد و استعمار است و بر همین مبنا انتقادهای سرسختانه دارند و به مخاطب توصیه میکنند برای رسیدن به آزادی باید با استبداد مبارزه کرد. در میان شاعران، فرخی یزدی شاعر آزادی‌نامیده شده است که عقابت جان بر سر آن میدهد. عشقی نیز در راه آزادی شهید میشود، وی مستقیم و با صراحت میگوید در راه آزادی باید انقلاب کرد:

این ملک انقلاب می‌خواهد و بس
 امروز دگر درخت آزادی ما
 خونریزی بی‌حساب می‌خواهد و بس
 ز خون من و تو آب می‌خواهد و بس
 (کلیات میرزاده عشقی: ص ۴۱۲)

«اگر بخواهیم تنها دو مرورید گرانبها از دریای معانی شعر بهار صید کنیم، آن دو چیزی جز «آزادی» و «وطن» نخواهد بود» (جویبار لحظه‌ها، یاحقی: ص ۱۶۶). وی با پند و موعظه، اخطار و خواهش، شاهان را به حفظ وطن توصیه کرده است و در مقابل استبداد، آزادی را می‌طلبد و می‌خواهد همه بدنبال آزادی باشیم. در ابیات زیر از مثنوی «اندرز به شاه» میگوید با عمل به آموزه‌های قرآنی باید بدنبال آزادی باشیم و در بیرون کردن دشمن از وطن متحد شویم.

فتوی قرآن چو شود آشکار
 مایه آزادی دوران ما
 خصلت شود روسیه و شرمسار
 جمله نهفته به قرآن ما
 متفقانه بفرزید سر
 تا نرود از کفتان این گهر
 (مجموعه اشعار بهار: ص ۷۹۵)

زن: سیمای زنان در شعر کلاسیک با محدودیت بسیار همراه بود اما با انقلاب مشروطه، بیکبارگی زن، موضوع شاخص شعر شد و جایگاه او در جامعه مورد انتقاد قرار گرفت. مسائلی چون حضور اجتماعی زنان، سوادآموزی زنان، برابری آنها با مردان و از همه مهمتر حجاب آنها مطرح شد. «تمامی شاعران جریان بجز نسیم شمال طرفدار بیحجابی زن هستند» (بررسی مبانی نظری جریانهای شعری معاصر، نوری: ص ۳۶۷). عشقی و بهار نیز حجاب را مانع آزادی میدانند و خواستار حضور اجتماعی زن در جامعه هستند.

نشود منقطع از کشور ما این حرکات
 حفظ ناموس ز معجز نتوان خواست بهار
 تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد
 که زن آزادتر اندر پس معجز باشد
 (مجموعه اشعار بهار: ص ۳۵۴)

در نظر بهار سوادآموزی زنان باید مهم باشد و از آنها می‌خواهد بجای ظاهرآرایی در فکر یادگیری علم باشند:

تکیه منمای به حسن و به جمال ای دختر	سعی کن در طلب علم و کمال ای دختر
ذره‌ای علم اگر در وسط مغز بود	به که در کنج لبت دانه خال ای دختر
بی هنر نیست مؤثر صفت غنچ و دلال	با هنر جلوه کنند غنچ و دلال ای دختر

(همان: ص ۱۰۸۱)

عشقی بر تساوی زن و مرد تأکید میکند و حجاب و روبنده (پوشش زنان آن دوره) را نکوهش میکند.

شرم چه؟ مرد یکی بنده و زن یک بنده	زن چه کردست که از مرد شود شرمنده؟
چیست این چادر و روبنده نازیبنده	گر کفن نیست بگو چیست پس این روبنده

(کلیات میرزاده عشقی: ص ۳۱۸)

فقر، جهل و نادانی مردم

در این دوره شعر کارگری رشد کرد و طبقه فقیر و رنج و دردهای آنان مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ بگونه‌ای که جریانی با عنوان «ادبیات کارگری» شکل گرفت. شاعران به جایگاه کارگران در جامعه انتقاد کردند و تیره‌روزی آنها را که حاصل بیعدالتی و ظلم حاکمان بود، مورد توجه قرار دادند. توجه عشقی به شعر کارگری بیش از بهار است. او در ابیات زیر می‌خواهد دولت را به رنجبر بدهد و افسون شاه را نگون کند یا اینکه بر سر عقیده‌اش جان بدهد.

اعلان زوال سیم و زر خواهم داد	دولت همه را به رنجبر خواهم داد
یا افسر شاه را نگون خواهم کرد	یا در سر این عقیده سر خواهم داد

(کلیات میرزاده عشقی: ص ۴۰۹)

در کنار توجه به وضعیت نابسامان مردم، جهل و نادانی مردم بویژه عقاید خرافی، کج‌فهمیهای دینی، و عدم اراده برای مبارزه مورد نکوهش قرار گرفت و انتقادهای اجتماعی از عوام‌فریبیها بسامد سبکی یافت. شاعران مردم را دعوت به مبارزه میکنند و از آنها میخواهند در مقابل بی‌عدالتیها قیام کنند. بهار بیش از عشقی به مردم جامعه انتقاد کرده است. او میگوید آنها بد و خوب زندگیشان را تشخیص نمیده‌ند، در جهل و نادانی گرفتار ماندند و در برابر ظالم بپا نمیخیزند.

ای سفیهان بهر خود هم اندکی غوغا کنید	حال خود را دیده واغوثا و واویلا کنید
کیسه‌های خالی خود را دهید آخر تکان	پس تکانی خورده دزد خویش را پیدا کنید
تا به کی با این لباس ژنده میریزید آشگ	با جوی غیرت لباس از اطلس و دیبا کنید
کشته شد شاه شهیدان تا شما گیرید پند	پیش ظالم پافشاری یکه و تنها کنید

(مجموعه اشعار بهار: ص ۳۳۲)

دوره پهلوی: تثبیت ادب سیاسی اجتماعی در ادبیات معاصر

مضامین سیاسی اجتماعی که در دوره مشروطه به صدر مضامین رسید و نوع ادبی، «ادب سیاسی اجتماعی» شکل گرفت، در دوره پهلوی تثبیت شد. به این ترتیب در کنار انواع ادبی دیگر، ادب سیاسی و ادب اجتماعی، بعنوان یک نوع ادبی شاخص در دیوان اکثر شاعران دیده میشود. بعد از مشروطه، شاعران سنت‌گرا مثل حمیدی شیرازی، پروین اعتصامی، محمدحسین شهریار، رهی معیری، و امیری فیروزکوهی به مضامین سیاسی اجتماعی گرایش چندانی نیافتند و تثبیت آن در شعر معاصر، توسط نیما و پیروانش در جریان شعر نو صورت گرفت. نیما با بیان

این جمله که «ادبیاتی که با سیاست مربوط نبوده، در هیچ زمان وجود نداشته و دروغ است» (درباره شعر و شاعری، نیما یوشیج: ص ۱۹۰) به شعر سیاسی اجتماعی گرایید. به پیروی او، شاملو، اخوان و دیگر شاعران به این مضمون توجه کردند و با تثبیت آن، جریانی با عنوان «سمبولیسم اجتماعی» (شعر رمزگرای جامعه‌گرا) یا «شعر نو حماسی و اجتماعی» ایجاد شد. (جریانهای شعری معاصر فارسی، حسین پورجافی: ص ۱۹۳). این شعر کاملاً اجتماعی و سیاسی است و حرکتش بیشتر بسمت سمبولیسم اجتماع‌گراست (ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی‌کدکنی: ص ۵۵). شرایط برای رشد این جریان از دهه بیست به بعد مهیا شد و در دهه سی و چهل به اوج خود رسید (چشم‌انداز شعر معاصر ایران، زرقانی: ص ۲۳۶). با همان گرایش‌های سیاسی اجتماعی، در دهه چهل جریان شعر مقاومت شکل گرفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت. از مؤلفه‌های دوره مشروطه جمهوری، مشروطه‌خواهی، زن، و قانون در این دوره کمرنگ شد؛ مؤلفه‌های استبداد، استعمار، آزادی و مضامین مرتبط با آنها با تغییر نگرش از استبداد قاجار به استبداد پهلوی و از استعمار روس و آلمان و انگلیس به استعمار انگلیس و آمریکا رسید. وطن‌دوستی در این دوره وجود دارد اما بسامد واژگانی و توجهات شاعران دوره مشروطه در ظاهر شعر کم شده و بجای آن در بطن اندیشه آنها، عمیق شده است. در واقع این سه مؤلفه با هدف وطن‌دوستی و آزادی مردم در اشعار شاعران دیده میشود. نکته مهم نیز گرایش به زبان نمادین است که در دوره مشروطه کمرنگ است اما نیما و پیروانش آن را بکار بردند.

استبداد، استعمار، آزادی

این مؤلفه‌ها در دوره پهلوی، به قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قابل تقسیم است. شاعران با دو روحیه پایداری و مقاومت و روحیه ناامیدی و یأس در این مضمون شعر سرودند. دوره قبل کودتا: مقاومت و پایداری در برابر استبداد و استعمار، پاسداشت آزادی و دعوت مردم به مبارزه است و اغلب شاعران با گرایش به نهضت ملی مصدق درصدد شکست استبداد و آزادی برآمدند. نیما در چند شعر برجسته مثل «قلب قوی»، «تاقوس»، «پادشاه فتح»، «مرغ آمین»، و «خروس میخواند» بصورت تمثیل‌وار و با زبان نمادین، در اعتراض به سیاستهای استبدادی و وجود استعمار در کشور، به مردم نوید پیروزی میدهد و ایشان را دعوت به مبارزه میکند. در این اشعار نیز «شب» نماد استبداد و خفقان و «صبح» نماد پیروزی و آزادی است. «سمبل صبح (سحر) در شعر و اندیشه نیما معادل آزادی جامعه ایرانی از سلطه استبداد و اختناق موجود بر جامعه عصر رضاخان است» (خانه‌ام ابری است، پورنامداریان: ص ۲۰۷). برای نمونه در *پادشاه فتح*، شب نماد استبداد است که میگریزد و صبح آزادی و پیروزی می‌آید.

«در بسیط خطه آرام میخواند خروس از دور / میشکافد جرم دیوار سحرگاهان / وز بر آن سرد دود اندود خاموش / هر چه با رنگ تجلی، رنگ در پیکر می‌افزاید / میگریزد شب / صبح می‌آید» (مجموعه اشعار نیما یوشیج: ص ۷۴۹). شاملو بعد از «دفترهای فراموش‌شده» به شعر سیاسی گرایید «حوادث عصر او از قبیل اعدامها، مسائل سیاسی، درگذشت بزرگان و روشنفکران همه و همه در شعر او انعکاس یافته‌اند. شعرهای او برای ایران و مردم ایران است» (راهنمای ادبیات معاصر، شمیسا: ص ۶۲۴ - ۶۲۳). در مقابل استبداد و استعمار، اندیشه شاملو در این دوره همانند نیما، مقاومت، پایداری و مبارزه برای آزادی است. وی بیپروا انتقاد میکند. قطعه «بیست و سه»، مجموعه «قطعنامه» و بیشتر اشعار «هوای تازه» در این مضمون است. برای نمونه در ابیات زیر بصورت مستقیم به بیداد و استبداد دولت پهلوی توجه میکند و رضاخان را بعنوان شاهی مستبد نکوهش میکند.

«و آن کس که برای یک لقمه در دهان و سه نان در کف/ و آن کس که برای یک خانه در شهر و سه خانه در ده/ با قبا و نان و خانه یک تاریخ چنان کند که تو کردی، رضاخان/ نامش نیست انسان./ نه، نامش انسان نیست، انسان نیست/ من نمیدانم چیست/ بهجز یک سلطان» (مجموعه اشعار شاملو: ص ۶۶ - ۶۷).

شاملو ستایشگر آزادی و همه جا در جستجوی اوست. «باید او را مداح آزادی خواند، گویی این آرزوی برآورده نشده شاعران عهد مشروطیت، حسرت او و همه است» (راهنمای ادبیات معاصر، شمیسا: ص ۶۲۵).

«آه اگر آزادی سرودی میخواند کوچک/ همچون گلوگاه پرنده‌ای/ هیچ کجا دیواری فروریخته برجای نمیماند./ سالیان بسیار نمیبایست/ دریافتن را/ که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است/ که حضور انسان آبادانیست/ همچون زخمی/ همه عمر/ خونابه چکنده/ همچون زخمی/ همه عمر/ به دردی خشک تپنده/ به نعره‌ای/ چشم بر نهان گشود./ به نفرتی/ از خود شونده/ غیاب بزرگ چنین بود/ سرگذشت ویرانه چنین بود/ آه اگر آزادی سرودی میخواند/ کوچک کوچکتر حتی/ از گلوگاه یکی پرنده» (مجموعه اشعار شاملو: ص ۷۹۷ - ۸۰۰).

دوره بعد از کودتای ۲۸ مرداد: در این دوره با شکست دولت ملی مصدق، یأس و ناامیدی در برابر استبداد و حضور استعمار در اشعار شاعران آزادی دیده میشود، نیما و شاملو نیز به یأس میگرایند. نیما در این دوره در چندین شعر از جمله «داروگ»، «خانهام ابريست»، «ری را»، «شب همه شب»، و «هست شب» اندوهش را از عدم پیروزی با زبان نمادین توصیف میکند. برای نمونه در شعر «هست شب» گستردگی استبداد را با نماد شب بیان کرده است: «هست شب یک شب دمکرده و خاک/ رنگ رخ باخته است/ باد، نوباوه ابر، از بر کوه/ سوی من تاخته است/ هست شب، همچو ورمکرده تنی/ گرم در استاده هوا/ هم از این روست نمیبیند اگر/ گمشده‌ای راهش را/ با تنش گرم، بیابان دراز/ مرده را ماند/ در گورش تنگ/ با دل سوخته من ماند/ به تنم خسته که میسوزد/ از هیبت تب/ هست شب، آری شب/ هست شب، آری شب» (مجموعه اشعار نیمابوشیخ: ص ۷۷۶).

شاملو نیز همانند نیما در این دوره به یأس میگراید و پس از یک دوره زندانی، علاوه بر یأس از استبداد، از نارقیقان که او را در وادی مبارزه تنها گذاشتند و به مسیر دیگری رفتند، غمگین میشود. او خود را سرداری از پشت خنجر خورده میبیند:

«با من به مرگ سرداری که از پشت خنجر خورده است گریه کن» (مجموعه اشعار شاملو: ص ۲۹۷) و استبداد را با نماد شب توصیف میکند:

«شب از راه میرسد/ بی ستاره‌ترین شبه / چرا که در زمین پاکی نیس / زمین از خوبی و راستی بی بهره است / و آسمان زمین بی ستاره‌ترین آسمانهاست: (همان: ص ۲۹۸)

دهه چهارم تا انقلاب اسلامی: پایداری و مقاومت در برابر استبداد و امید به آزادی

در این دوره جریان شعر مقاومت رشد کرد و مبارزه مردم علیه استبداد پهلوی به مبارزه مسلحانه رسید. نیما در سال ۱۳۳۸ از دنیا رفت و شاملو نیز در این دوره، چندی در یأس بود؛ بار دیگر به شعر غنایی روی کرد و مضامین سیاسی - اجتماعی در اشعارش کم‌رنگ شد. اما برخی شاعران که در دهه سی شعر غنایی میسرودند، در این دوره به شعر اجتماعی - سیاسی روی آوردند. هوشنگ ابتهاج از این شاعران بود. وی دو سال قبل از کودتا در مقدمه دفتر *سراب* از شعر غنایی خود اظهار ندامت میکند و بعد از آن در اشعارش بخشی را به این مضمون اختصاص میدهد. در شعر «کاروان» اعراض از عشق و گرایش به شعر سیاسی اجتماعی را به معشوق فرضی خود «گالیا» چنین گفته است:

«دیر است گالیا!! هنگام بوسه و غزل عاشقانه نیست/ هر چیز رنگ آتش و خون دارد این زمان/ هنگامه‌ رهایی لبها و دستهاست/ عصیان زندگیست» (شبگیر، ابتهاج: ص ۱۰۶).

استبدادستیزی و آزادی در شعر او در دفتر «سیاه‌مشق» بیشتر است که با زبان نمادین، مستبدان را نکوهش کرده است و در تمامی آنها اندیشه‌ پایداری دارد. برای نمونه در ابیات زیر جغد و خفاش نماد استبداد است که با ستم به گل و غنچه (مردم)، باغ (کشور) را پرپر میکنند و از «امید» می‌ترسند.

«جغدها/ در شب تب‌زده میهن ما/ می‌فشانند به خاک/ هر کجا هست چراغی تابان/ و گل و غنچه باغ ما را/ به ستم میریزند/ جغدها، خفاشان/ می‌هراسند ز گل‌بانگ امید/ می‌هراسند ز پیغام سحر» (تاسیان، ابتهاج: ص ۸۱).

او اندیشه‌ امید و پایداری در شعر را «زندگی» توصیف کرده است:

«بسان رود/ که در نشیب دره سر به سنگ می‌زند/ رونده باش/ امید هیچ معجزی ز مرده نیست/ زنده باش» (سیاه‌مشق، ابتهاج: ص ۱۸۸).

فقر مردم، ظلم و بیعدالتی

در دوره پهلوی توجه به قشر فقیر که در دوره مشروطه «ادب کارگری» نامیده شده بود، بدلیل استبدادهای حاکم بر جامعه، کم‌فروغ شد و واژه‌های کارفرما، کارگر، رنجبر، و دهقان در دیوانها دیده نمی‌شود. اما اندیشه‌ شاعران در توجه به طبقه کارگران و قشر فقیر کم نشد. فقر یکی از بارزترین اشارات و رویکردهای اجتماعی شاعران این دوره است که مؤلفه «بیعدالتی» و «ظلم» فرادستان را در جامعه استبدادی نشان داده‌اند. نیما در شعر «آی آدمها»، «گرگ»، «شب‌پا»، «محبس»، «مادری و پسری»، و «خانواده یک سرباز» واقعیت‌های ملموس و عینی جامعه را به تصویر میکشد. او در شعر «خارکن» به فقر مردم روستانشین پرداخته است؛ مردمانی که بیشترین کار را میکنند، اما کمترین بهره را می‌برند:

«پشتش از پشته خاری شده خم/ روی از رنج کشیده درهم/ خسته، وامانده به ره خارکنی/ شکوه‌ها داشت به هر پنج قدم: ای خدا بخت مرا پایان نیست/ حرفه شوم مرا سامان نیست.../ نظم این است و ره دادگری (مجموعه اشعار نیمایوشیج: ص ۱۱۳-۱۱۵).

شاملو در دهه چهل، شعر تأثیرگذار «با چشمها» را در انتقاد از انقلاب سفید سرود و مردم فقیر را نکوهش کرد که با جهلشان همچنان دروغ استبداد را باور میکنند.

«ای کاش میتوانستم/ یک لحظه میتوانستم ای کاش/ بر شانه‌های خود بنشانم/ این خلق بیشمار/ گرد حباب خاک بگردانم/ تا با دو چشم خویش بیند که خورشیدشان کجاست/ و باورم کنند/ ای کاش میتوانستم» (مجموعه اشعار، شاملو: ص ۶۵۸)

دوره انقلاب اسلامی: همسو شدن ادب سیاسی اجتماعی با ادب انقلابی و پایداری

با قیامهای مردمی که از دهه چهل آغاز شده بود، در دهه پنجاه شعر انقلابی رشد کرد. مؤلفه‌های سیاسی در دهه پنجاه، مقابله صریح با استبداد، استعمار و مضامین مرتبط با آن بود که در دیوان شاعران متعهد دیده میشود. اما بعد از انقلاب اسلامی، مؤلفه استبداد و استعمار با سقوط رژیم پهلوی کنار رفت و مؤلفه‌های انقلابی جایگزین آن شد. چند ماه بعد از پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی آغاز شد و این تغییر ناگهانی در ادبیات، ادب پایداری را ایجاد کرد و شاعران انقلابی به آن گرایش یافتند و در مدت هشت سال دفاع مقدس، شعر پایداری به صدر مضامین شعری رسید و مضامین سیاسی اجتماعی در این مفهوم جا گرفت.

وطن، آزادی، انقلاب اسلامی

مؤلفه وطن در دهه پنجاه، که مردم درگیر مبارزه با رژیم بودند، مفهوم متفاوتی گرفت. شاعران وطن را در مقابل رژیم پهلوی قلمداد کردند که با مفاهیم استبداد و استعمار پیوند خورد و با سقوط رژیم به آزادی رسید اما با حمله عراق به کشور، مفهوم وطن در ارتباط دشمن و حفظ تمامیت ارضی قرار گرفت و آزادی آن از دست دشمن بعثی در جبهه پایداری مورد نظر است.

نمونه وطن‌دوستی در اشعار ابتهاج شعر «سپیده» است. این شعر را به مناسبت انقلاب اسلامی سرود، در آن هم نظری به گذشته و حال وطن دارد و آن را سرای امید خود می‌پندارد که از دست استبداد و استعمار رهایی یافته است.

«ایران ای سرای امید بر بامت سپیده دمید/ بنگر کزین ره پرخون خورشیدی خجسته رسید/ اگرچه دلها پرخون است شکوه شادی افزون است/ سپیده ما گلگون است که دست دشمن در خون است/ ای ایران! غمت مرساد!/ جاویدان شکوه تو باد!» (آینه در آینه، ابتهاج: ص ۸۳)

او در شعر «امید» آزادی وطن را از استبداد با نماد شب و جغد و خورشید تصویرسازی کرده است. در شب - که نماد خفقان استبداد است - برق امیدی را می‌بیند و خطاب به جغد شب که نماد سیاهی و شومی است، می‌گوید دیگر نخواند زیرا خورشید بیدار است:

«چه خوش برقی به چشم شب درخشید/ چراغم را فروغی تازه بخشید/ مخوان ای جغد شب لالایی شوم/ که پشت پرده بیدار است خورشید» (سیاه مشق، ابتهاج: ص ۳۳۴).

در شعر «من به باغ گل سرخ» امید را چنین می‌سراید:

«من به باغ گل سرخ/ در تمام شب سرد/ رو شنایی را خواندم با آب/ و سحر را/ به گل و سبزه/ بشارت دادم» (شبگیر، ابتهاج: ص ۱۵۲).

امین پور در دهه پنجاه، به جرعه شاعران انقلاب پیوست و بعد از انقلاب، از شاعران پایداری دفاع مقدس شد. او با آغاز جنگ، در جبهه‌ها حضور یافت و همواره پیرو قافله شاعران انقلاب و دفاع مقدس بود (دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور، صرفی: ص ۳۲۳). او در شعر انقلابی، با نکوهش استبداد، بر امید و پیروزی تأکید دارد. امین پور نیز در توصیف دوره استبداد، آن را با نماد «شب» آورده است، اما این شب آستن طلوع است.

«هان، ای خدایان! در روز بار عام/ حتی/ تمثال بی مثال شما را / یاری ادای تظلم نداشتیم/ آری حتی خری به دست تظلم/ زنجیر عدل و داد شما را تکان نداد/ باری هر جا قدم به خاک نهادید/ صدها نهال عاطفه خشکید/ صدها درخت فاجعه روید/ اینک/ هر چند تاج تخمه به گهواره بسته‌اید/ باری امید بس عبثی دارید!/ زیرا که شب/ آستن طلوع شگفتی است» (مجموعه کامل اشعار، امین پور: ص ۶۳۶).

دفاع مقدس، پایداری

وصف آزادی، شهید و پایداری از دهه چهل در جریان شعر مقاومت آغاز و تا پیروزی انقلاب اسلامی این مؤلفه‌ها در برابر رژیم پهلوی و مقاومت برای پیروزی بود. بعد از انقلاب اسلامی با آغاز جنگ تحمیلی، در ارتباط با دفاع مقدس و دشمن بعثی و منافقین قرار گرفت. ابتهاج بیشتر در دفتر «تاسیان» و «سیاه مشق» در دوره قبل انقلاب به این مؤلفه‌ها توجه دارد و بعد از انقلاب نیز بعنوان شاعر پایداری فعالیت دارد. آزادی در شعر او، رهایی از سلطه استبداد است و شهادت را برای آزادی می‌ستاید. در وصف شهدای انقلاب، شعر «ز بال سرخ قناری...» را در سال ۱۳۵۸ گفته است.

«تو چون شهاب گذشتی بر آن سکوت سیاه/ تو چون شهاب نوشتی به خون روشن خویش/ که صبح تازه ز خون شهید خاست/ ز بال سرخ تو خواندم در آن غروب قفس/ که آفتاب رها گشتن قناریهاست» (سیاه مشق، ابتهاج: ص ۱۶۵).

در ابیات زیر که آن را بعد از شهادت شهید بهشتی سروده، از مقاومت و استواری مردانی سخن گفته است که گرچه غرق خون هستند اما سرنگون نمیشوند.

بلندا سرما که گر غرق خونش	ببینی، نبینی تو هرگز زبونش
سرافراز باد آن درخت همایون	کزین سرنگونی نشد سر نگونش
تناور درختی که هرچه‌ش ببری	فزونتر بود شاخ و برگ فزونش

(سیاه مشق، ابتهاج: ص ۱۵۱)

قیصر شاعر پایداری این دوره است که در چندین دفتر شعری، مضامین دفاع مقدس را آورده است:

مبادا خویشتن را واگذاریم	امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست	مبادا روی لاله پا گذاریم

(مجموعه کامل اشعار، امین‌پور: ص ۴۴۵)

او آزادی و آزادی مردم انقلابی را در قطعه «دریای آرام» توصیف کرده است. «دریا» نماد مردم انقلابی ایران است که با موجهای پرتلاطم بر دشمن میتازند و دشمن هرگز نمیتواند برای آنها قفس بسازد. «دم‌به‌دم در پهنه دریا/ موج شکلی تازه میگیرد/ یک نفر با خط‌کشی کوچک/ موج را اندازه میگیرد/ از پی هر موج، سرگردان/ روز و شب بیهوده میتازد/ تا بریزد موج دریا را/ در قفسهایی که میسازد/ در قفس دریا نمیگنجد/ زانکه کار موج پرواز است/ ما همان دریای آزادییم/ دشمن ما آن قفس‌ساز است» (همان: ص ۴۷۳-۴۷۴)

نتیجه‌گیری

شعر سیاسی - اجتماعی بعنوان نوع ادبی مشخص با مؤلفه‌های ویژه، در دوره مشروطه آغاز شد و تا به امروز در شعر فارسی حضور دارد. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های مهم آن از دوره مشروطه تا پایان جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار گرفت. ادبیات سیاسی - اجتماعی در شعر معاصر سه دوره را پشت سر گذاشته است. با انقلاب مشروطیت به صدر مضامین شعری راه یافت و شاخصه سبک فکری شاعران مشروطه شد، در دوره پهلوی با ظهور نیما و گرایش به این نوع شعر تثبیت شد و بصورت سمبولیسم اجتماعی ادامه یافت. بعد از انقلاب اسلامی و همزمان با آغاز دفاع مقدس، به شعر پایداری وصل شد. مهمترین مؤلفه‌های دوره مشروطه: استبداد، استعمار، مشروطه، جمهوری، آزادی، وطن، زن، فقر و جهل مردم است. در دوره پهلوی: استبداد، استعمار، آزادی، فقر است و در دوره انقلاب اسلامی: وطن، آزادی، انقلاب اسلامی و پایداری است.

بررسی سیر تحولات مؤلفه‌ها نشان داد استبداد، استعمار و آزادی در هر سه دوره تکرار شده است. در دوره مشروطه: جمهوری، مشروطه‌خواهی، و حقوق زنان وجود دارد که در دوره پهلوی از شعر سیاسی اجتماعی خارج شد. همچنین مفهوم وطن و آزادی که در دوره مشروطه، از واژه‌های پربسامد بودند، در این دوره با اینکه به آنها توجه عمیق شده است، توصیفهای ظاهری در دیوان شاعران ندارد. در این دوره، استبداد پهلوی و استعمار در قبل و بعد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از مؤلفه‌های اصلی شعر سیاسی - اجتماعی است. قبل کودتا روحیه مقاومت و امید به آزادی و پیروزی وجود دارد اما بعد از کودتا، یأس و ناامیدی است. بار دیگر در دهه چهل با شکل‌گیری جریان مقاومت،

مبارزه با استبداد آغاز میشود و سرانجام در انقلاب اسلامی با سقوط رژیم پهلوی، مؤلفه آزادی، وطن و انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های مهم شعر سیاسی اجتماعی میگردد. در ادامه با آغاز جنگ تحمیلی، مؤلفه پایداری، دفاع مقدس و آزادی، مؤلفه‌های اصلی میشوند. در سیر تحول این مؤلفه از مشروطه تا پایان جنگ تحمیلی میتوان گفت که انتقاد شاعران از وجود استبداد و استعمار و مضامین مرتبط با آن مثل ظلم، بیعدالتی، و بی‌قانونی در جامعه در دوره مشروطه آغاز شد. در دوره پهلوی این انتقادات همچنان ادامه یافت، اما با کودتای مرداد ۱۳۳۲ به یأس رسید. بار دیگر در دهه چهل و پنجاه با درگیری مسلحانه و قیامهای خونین مردم اوج گرفت و سرانجام با انقلاب اسلامی به مؤلفه‌های انقلابی بدل شده و با آغاز جنگ تحمیلی، به مؤلفه دفاع مقدس تغییر یافت.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب استخراج شده است. آقای دکتر آرشد مشفق این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم لیلا قلی‌پوری به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر ناصر علیزاده نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Aminpour, Qeyzar. (2004). Tradition and Innovation in Contemporary Poetry, Tehran: Scientific and Cultural, pp. 296-297.
- Aminpour, Qeyzar. (2009). Complete collection of poems, Tehran: Morvarid.
- Bahar, Mohammad Taghi. (2008). Complete collection of poems, Tehran: Negah.
- Dorosti, Ahmad. (2002). Political Poetry in the Pahlavi Period, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center, p.55.
- Ebtehaj, Houshang. (1991). Shabgir, Tehran: Toos.
- Ebtehaj, Houshang. (2006). Siahmashq, Tehran: Karnameh.

- Ebtehaj, Houshang. (2006). *Tasian*, Tehran: Karnameh.
- Ebtehaj, Houshang. (2012). *Mirror in the Mirror, (Selected Poetry)*, selected by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Cheshmeh.
- Eshghi, Mirzadeh. (1978). *Illustrated generalities*, compiled by Ali Akbar Moshir Salimi, Tehran: Amirkabir.
- Haeri, Seyed Hadi. (1995). *Political and Social Freedoms from the Perspective of Thinkers, A Passage on Persian Writings in the Last Century*, Tehran: University Jahad, p. 9.
- Hazin Lahiji, Mohammad Ali. (1963). *Hazin Lahiji, his life and most beautiful lyric poems*, prepared by M. Sarshak, Mashhad: Toos, p.21.
- Hossein Pourchafi, Ali. (2008). *Contemporary Persian Poetry Currents*, Tehran: Amirkabir, p.18, 93.
- Islami Nodooshan, Mohammad Ali. (1977). *Jahanbin Cup*, Tehran: Iran Mehr, p.214.
- Mohammadi, Hassan Ali. (1996). *Contemporary Iranian Poetry from Bahar to Shahriar, Volume One*, Tehran: Arganun, p.35.
- Nimayoshij. (2006). *About Poetry and Poetry*, by Sirus Tahabaz, Tehran: Negah, p.190.
- Nimayoshij. (2012). *Complete collection of poems*, edited by Sirus Tahabaz, Tehran: Negah.
- Nouri, Zahra. (2020). *A Study of Theoretical Foundations of Contemporary Poetic Currents*, Urmia: Adalar, p. 339, 367.
- Pournamdarian, Taghi. (2002). *My house is cloudy*, Tehran: Soroush, p.207.
- Sarfi, Mohammad Reza. (2011). *Sacred Defense, Commitment and Transformation in the Poetry of Qaisar Aminpour*, *Journal of Sustainability Literature*, Faculty of Humanities, Kerman University, 2 (3 and 4), pp. 323-346.
- Shafi'i-Kadkani, Mohammad Reza. (2004). *Periods of Persian poetry from constitutionalism to the fall of the monarchy*, Tehran: Sokhan, p.55.
- Shamisa, Sirus. (2004). *Guide to Contemporary Literature*, Tehran: Mitra, pp.623-625.
- Shamloo, Ahmad. (2005). *Collection of works, the first book of poems*, Tehran: Negah.
- Yahaghi, Mohammad Jafar. (2009). *A stream of moments; Currents of contemporary Persian literature (poetry and prose)*, Tehran: Jami, p.166.
- Zarghani, Mehdi. (2012). *Perspectives on Contemporary Iranian Poetry*, Tehran: Sales, p.336.

فهرست منابع

- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، تهران: سخن.
- آزادیه‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در سدهٔ واپسین، حائری، سیدهادی، (۱۳۷۴)، تهران: جهاد دانشگاهی.
- آینه در آینه، ابتهاج، هوشنگ (ه. ا. سایه) (۱۳۹۱)، (برگزیده شعر)، به انتخاب محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: چشمه.
- بررسی مبانی نظری جریانهای شعری معاصر، نوری، زهرا (۱۳۹۸)، ارومیه: آدالار.
- تاسیان، ابتهاج، هوشنگ، (ه. ا. سایه) (۱۳۸۵)، تهران: کارنامه.
- جام جهان‌بین، اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۵۶)، تهران: ایران مهر.
- جریانهای شعری معاصر فارسی، حسین پورچافی، علی، (۱۳۸۷)، تهران: امیرکبیر.
- جویبار لحظه‌ها؛ جریانهای ادبیات معاصر فارسی (نظم و نثر)، یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، تهران: جامی.
- چشم‌انداز شعر معاصر ایران، زرقانی، مهدی، (۱۳۹۱)، تهران: ثالث.
- حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزل‌های او، حزین لاهیجی، محمدعلی، (۱۳۴۲)، فراهم‌آوردهٔ م. سرشک، مشهد: توس.

- خانم ابری است، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، تهران: سروش.
- درباره شعر و شاعری، نیمایوشیج (۱۳۸۵)، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.
- دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور، صرفی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، نشریه ادبیات پایداری دانشکده علوم انسانی دانشگاه کرمان، (۳ و ۲)، صص ۳۲۳-۳۴۶.
- راهنمای ادبیات معاصر، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، تهران: میترا.
- سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۳)، تهران: علمی و فرهنگی.
- سیاه‌مشق، (۱)، ۲، ۳، ۴ و ۱۱، ابتهاج، هوشنگ (ه. ا. سایه)، (۱۳۸۵)، تهران: کارنامه.
- شبگیر، ابتهاج، هوشنگ (ه. ا. سایه) (۱۳۷۰)، تهران: توس.
- شعر سیاسی در دوره پهلوی، درستی، احمد، (۱۳۸۱)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعر معاصر ایران از بهار تا شهریاری، محمدی، حسنعلی، (۱۳۷۵)، جلد اول، تهران: ارغنون.
- کلیات مصور، عشقی، میرزاده، (۱۳۵۷)، گردآوری علی‌اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.
- مجموعه آثار، شاملو، احمد، (۱۳۸۴)، دفتر یکم شعرها، تهران: نگاه.
- مجموعه کامل اشعار، امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۸)، تهران: مروارید.
- مجموعه کامل اشعار، بهار، محمدتقی، (۱۳۸۷)، تهران: نگاه.
- مجموعه کامل اشعار، نیمایوشیج (۱۳۹۱)، تدوین سیروس طاهباز، تهران: نگاه.

معرفی نویسندگان

لیلا قلی‌پوری: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: Leyla.golipouri@gmail.com)

آرش مشفق: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

(Email: moshfeghi.arash@gmail.com : نویسنده مسئول)

ناصر علیزاده: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

(Email: dr.alizadeh46@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Leila Gholipouri: PhD student in Persian language and literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: Leyla.golipouri@gmail.com)

Arash Moshfeghi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

(Email: moshfeghi.arash@gmail.com : Responsible author)

Naser Alizadeh: Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

(Email: dr.alizadeh46@yahoo.com)